

علمی بینند، علمی بیاندیشیم، علمی سخن بگوییم .

گردآورنده:

لیلا کریمی

سرشناسه	:	کریمی، لایلا، ۱۳۵۲-، گردآورنده
عنوان و نام پدیدآور	:	Karimi, Layla
مشخصات نشر	:	علمی بینیم، علمی بیاندیشم، علمی سخن بگویم / گردآورنده لایلا کریمی، تهران: برتراندیشان، ۱۳۹۸.
مشخصات ظاهری	:	۷۹ ص.
شابک	:	978-622-6278-59-1
وضعیت فهرست نویسی	:	فیم
یادداشت	:	بنامه
موضوع	:	کلمات کلیدی
موضوع	:	Quotations
موضوع	:	نکته‌گویی‌ها و گزینش‌نویسی‌ها
موضوع	:	Aphorisms and apothegms
رده بندی کنگره	:	PN۶۰۹۵
رده بندی دیویی	:	۸۰۸/۸۸۲
شماره کتابشناسی ملی	:	۵۷۴۸۰۳۹

**** علمی بینیم، علمی بیاندیشم، علمی سخن بگویم ****

گردآوری و تألیف: لایلا کریمی

ناشر: برتراندیشان

شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۶۲۷۸-۵۹-۱

ویراستاری و طراحی جلد: لایلا کریمی

نوبت چاپ: اول ۱۳۹۸

تیراژ: ۵۰ نسخه

قیمت: ۱۴۰۰۰ ریال

در این کتاب می‌خوانیم:

- مقدمه
- روش مطالعه
- نکات علمی
- نکات اجتماعی
- نکات اخلاقی
- نکات روانشناسی (اعتیاد)
- نکات اخلاقی (تربیت فرزند)
- موضوع آزاد
- منابع و مؤاخذ
- سایر منابع در دست انتشار

بسم الله الرحمن الرحيم

اَللّٰهُمَّ اَخْرِجْنِيْ مِنْ ظُلُمَاتِ الْوَهْمِ وَ اَكْرِمْ نِيْ بِنُوْرِ الْفَهْمِ اَللّٰهُمَّ افْتَحْ عَلَيْنَا اَبْوَابَ رَحْمَتِكَ وَ اَنْشُرْ عَلَيْنَا خَزَائِنَ عِلْمِكَ بِرَحْمَتِكَ يَا اَرْحَمَ الرَّاحِمِيْنَ.

خدایا درآور مرا از تاریکی های وهم، و گرامیم دار به نور فهم، خدایا بگشا بر ما درهای رحمت را، و نشر کن بر ما خزینه های دانش را به رحمتت، یا ارحم الراحمین.

من بتو جبر عزم، بگویم سخن

علم چو آید، خود بتو گوید سخن

بیایید:

«علمی ببینیم، علمی بیاندیشیم، علمی سخن بگوئیم»

همان طوری که، در آیات الهی، نیز خوانده ایم، در گذشته یکی ر پیامبران، از خداوند درخواست ملاقاتش را با چشم ظاهری می نمایند، و به خاطر پافشاری او، سرانجام به فرمان خدا، نوری از کوه طور بیرون آمده و پیامبر را بیهوش می کند.

امروزه که علم پیشرفت نموده و بسیاری از مکشوفات برای بشر هویدا گردید، می بینیم که، حتی فرزندان ما می دانند، هر آن چه را که خداوند آفریده، از جمله: ستارگان، بسیاری از یارگان و کهکشان ها، بسیاری از میکرب ها و جانوران ریز میکروسکوپی، را، فقط و فقط بایستی از طریق تلسکوپ و میکروسکوپ مشاهده نمود.

پس چگونه می توان پروردگار عالمیان را، با چنین لطافت و عظمت و وسعتی، فقط و فقط با همین چشم ظاهری، که اسباب و وسیله ای بیش نیست، دید و معرفت نمود.

معلوم می‌گردد که، هر چه بیشتر، در جادوی علم قدم برمی‌داریم و هر چه علمی‌تر می‌شویم، شعورمان، نیز از خداشناسی، عمیق‌تر و متفاوت‌تر می‌گردد.

نمی‌دانم

یک روحانی که در یکی از روستاهای منطقه‌ی سردسیر سبیری زندگی می‌کرد، به مدت بیست سال هر روز صبح از میدان ده عبور میکرد تا برای مدت به معبد روستا برود، یکی از مأموران پلیس، هر روز او را زیر نظر داشت تا اینکه عاقبت یک روز صبح آن مأمور جلو آمد و از او پرسید؟
کجا می‌روی؟

من نمیدانم که به کجا می‌روم!

منظورت چیست که نمیدانی؟ من بیش از بیست سال است که تو را میبینم که هر روز برای رفتن به معبد از میدان می‌گذری! اکنون به تو درسی بدهم...

و همراه با گفتن این جملات ریش روحانی را چنگ زده و او را کنار کشتان به زندان برد.

وقتی مأمور در زندان را قفل میکرد، مرد روحانی با چشمی پر از کنیه به او گفت:

حالا متوجه شدی وقتی که می‌گویم نمیدانم، منظورم چیست.

مهلتی بر هم چشم زدن نیست، تیست

بارها شمرد و از شمردن لذت برد و با خود اندیشید: پانصد هزار سکه، ثروتی گران از آن من! من روزهای

بسیار اندوخته‌ام، نگاه سرشار از لذت، ناگاه سنگینی نگاهی را بر کنج وجودش یافت وحشت زده گمان برد؛

که دزدی می‌باشد، پس قصد پنهان کردن گنج نمود که آن غریبه صدا زد: من اینجا بهر ستاندن جانت آمده‌ام

وحشت به جانش افتاد و گفت: کیستی؟ فرشته مرگ!

آری.

تضرع کنان نالید:

مرا مهلتی ده! که برای نیامدن با تو، هزار و یک برهان دارم.

فرشته مرگ: و نه! برای بردن تو، تنها یک برهان!

گاه رفتنت آه، و سی درنگ! نه!

نیمی از ثروتم فقط برای سه روز مهلت!

فرشته مرگ: نه

تمام ثروتم، و تنها یک دم! به قدر نگاشتن امری.

فرشته مرگ: به قدر نگاشتن امری! و نه بیشتر!

مرد با اندوه و درد برای کسی که نمی شناسد نوشت:

آه به تو می گویم: اگر هنوز هم تو را مهلتی هست، مرا پانصد سکه چشم بر هم زدنی هم، مهلت نیاورد.

امید، روزی فرا برسد، دریچه های علمی بیشتری، بروی زنگوده شده و جهان بینی مان را، تکمیل ترگرداند، تا از این همه بهت و سردرگمی نجات بیابیم و مجبور نباشیم با افکار کوتاه و قاصرمان به قضاوت بنشینیم. شاید لازم باشد، برای این که، بیشتر به ارزش واقعی شهر برسیم، مثالهای علمی زیادی را از سر بگذرانیم.

همان طوری که همگی می دانیم، از دید ما، مگس حشره ایست بسیار سریع، به خاطر همین هم، خیلی راحت از دست ما می گریزد.

جالب این که، پس از مطالعه ی محققان، بر روی قرنیه ی چشم مگس معلوم شد که از زاویه ی دید مگس، این مگس نیست که سریع است، بلکه این سرعت ماست، که بسیار بسیار، کند است و مجال فرار را به مگس می دهد، مگس کلیه مختصات

حرکت دست مارا، به سوی خود، جزء به جزء بررسی کرده و عکس العمل نشان می دهد این نکته، تفاوت در زاویه‌ی دید انسان و مگس، می‌تواند اشاره‌ای بس با شکوه، برای پاسخگویی به برخی مجهولات ذهنی، که باعث تخریب و مخدوش شدن باورهای ماست، که حتی گاهاً، تصاویری موهوم را در ذهن مان منقوش می‌سازند، «که خدائی این چنین، که قادرست، جهان هستی را در یک لحظه بیافریند، چگونه آن را، در شش روز آفریده است؟» باشد.

إِنَّا كُلَّ شَيْءٍ خَلَقْنَاهُ بِقَدَرٍ وَمَا أَمْرُنَا إِلَّا وَجْهَةً رَّاحٍ بِالْبَصَرِ

همانا ما همه چیز را آفریدیم به اندکائی، نیست کار ما جز یکی همچون، یک بر هم زدن چشم.
(۵۰ / ۴۹ / قمر)

با اشاره‌ای گذرا، در تفاوت دید انسان و مگس بی‌شک ما تمایم با کمی دقت چنین استدلال‌هایی را، از بیخ و بن، بی‌اساس فرض کرده و از روی آن به سادگی بگذریم.
انسان یک سیاره مستقل

انسان تنها و فقط در مایع رحم، ضد عفونی است، وجود میلیاردها موجبات ذره بینی روی بدن، مثلاً روی مژه‌ها، داخل موهای سر، که با انسان همزیستی می‌کنند و در حال رفت و آمدند، که براستی انسان با دیدنشان به وحشت می‌افتد.

این مطالب علمی مهم، مرا مجاب کرده، تا از این پس بکوشم، همه چیز را علمی‌تر بینم علمی‌تر بشنوم و علمی‌تر بگویم. «یا رب القلم»

بیاید جملات قصار را از بر کنیم تا در زندگی مان جاری گردند. و تصمیم بگیریم که هر روز آن اصول را یاد آوری کنیم، تا برایمان تبدیل به فعلیت شوند.

مدیریت قوی فردی

ومن كان في هذه اعمى فهو في الآخرة اعمى واضل سبيلا

کسانی که در دنیا نابینا و گمراهند، در آخرت نابیناتر و گمراهترند. (۷۲ / الاسراء)

تقديم به بزرگ ردي نه، چاه مي کند و وقف عموم مي کرد

www.ketab.ir